

پژوهشی در چالش‌های حج مغرب اسلامی

سید محمود سامانی^۱

چکیده

مغرب اسلامی به کشورهای حد فاصل مصر تا اقیانوس اطلس، شامل لیبی، تونس، الجزایر، مراکش، موریتانی و اندلس گفته می‌شود. این سرزمین وسیع از جهات متعدد دارای اهمیت است و حدود صد میلیون مسلمان در آن ساکنند. حجگزاری آنان در ادوار مختلف با چالش‌هایی اعم از طبیعی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، و نیز چالش‌های خارجی، به‌ویژه استعمار، مواجه بوده است. این مقاله، که به روش توصیفی - تحلیلی است، در پی پاسخ به این پرسش است که حجگزاری مردم مغرب در کشورهای مبدأ، طول مسیر و در موسم حج با چه چالش‌هایی مواجه است. برآیند مقاله حاکی از آن است که به رغم وجود چالش‌هایی برای زائران بیت الله الحرام، آنان جز در برهه‌هایی فریضه الهی خود را انجام می‌دادند. البته سختگیری استعمارگران بر مسلمانان در برخی از کشورهای مغرب اسلامی، مانند الجزایر و لیبی، حجگزاری آنان را با مشکل اساسی مواجه می‌ساخت. رقابت و درگیری میان امیران مکه و رقابت دولت‌های قدرتمند برای سیادت بر حرمین شریفین نیز از چالش‌های حج مغرب اسلامی بوده است.

کلیدواژه‌ها: مغرب اسلامی، چالش سیاسی، چالش اجتماعی، مسیر حج، چالش اقتصادی، کاروان مغرب.

۱. دکترای تاریخ و تمدن اسلامی و مدیرگروه تاریخ و سیره پژوهشکده حج و زیارت

(Mahmud.samani@gmail.com)

مغرب اسلامی یا مغرب عربی، اصطلاحی است که سرزمین پهناوری از شمال آفریقا، به جز مصر تا اقیانوس اطلس، را که در آن کشورهای کنونی لیبی، تونس، الجزایر، مغرب عربی (مراکش) و موریتانی واقع شده‌اند در برمی‌گیرد. (زغلول، ۱۹۶۴. م، ج ۱، ص ۶۱) در دوران اسلامی این منطقه به سه بخش تقسیم می‌شد:

- المغرب الادنی یا افریقیه که مرکزیت آن قیروان بوده و لیبی، تونس و بخش‌هایی از شرق الجزایر فعلی را در بر می‌گرفته است.

- المغرب الاوسط که الجزایر کنونی به مرکزیت تلمسان را در بر می‌گرفت.

- المغرب الاقصى که کشور مغرب یا مراکش کنونی و موریتانی را باید بر آن منطبق دانست. (ناصری طاهری، ۱۳۸۹ش، ص ۳)

مغرب اسلامی از جهات گوناگونی دارای اهمیت است: از نظر وسعت، دو کشور لیبی و الجزایر در زمره چهار کشور وسیع قاره آفریقا و کشورهای عربی هستند. همچنین دو کشور یاد شده از لحاظ ذخایر نفت و گاز جزو معدود کشورهای جهان و جزو ده کشور اصلی صادر کننده نفت و گاز در جهان هستند. تونس نیز از ذخایر انرژی برخوردار است. همچنین کشورهای مغرب اسلامی، موقعیت استراتژیکی و ژئوپلیتیکی خاصی دارند و پل ارتباطی آفریقا به اروپا، آمریکا و آسیا هستند. از نظر جمعیت نیز این سرزمین وسیع قابل توجه است و حدود صد میلیون نفر جمعیت مسلمان دارد^۱ که غالباً مالکی‌مذهب هستند. همچنین مغرب اسلامی از لحاظ فرهنگی و تمدنی حائز اهمیت است. تصوف و طریقت‌های مختلف، مانند سنوسیه، در قرون متمادی در تحولات مغرب اسلامی نقش آفرینی داشته است؛ چنان که تفکر سنوسیه در یک قرن اخیر نقش مهمی در حیات مذهبی الجزایر، لیبی و تونس ایفا کرده است. (رادولف پیترز، ۱۳۶۵ش، ص ۱۰۳-۱۰۴)

۱. الجزایر به تنهایی حدود چهل میلیون جمعیت دارد. (عملیات اجرایی حج در کشور دموکراتیک خلق الجزایر، ص ۹).

سابقه مبارزاتی مغرب اسلامی بر ضد استعمارگران نیز از مباحث قابل توجه است. درباره پیشینه موضوع مقاله حاضر باید یادآوری کرد که با استقصای صورت گرفته، اثری اعم از مقاله، کتاب یا پایان نامه یافت نشد؛ هرچند این چالش‌ها را می‌توان به صورت پراکنده در سفرنامه حج و منابع تاریخی یافت. مطالب این مقاله در محورهای زیر تنظیم شده است:

چالش‌های داخلی حج‌گزاری مغرب اسلامی

۱- نامنی در مسیر و موسم حج

راهزنی و دستبرد زدن به کاروان‌های حج در مسیرهای منتهی به مکه مکرمه، به نسبت تعرض به کاروان‌های دیگر نمود بیشتری داشته است. (رافعی، ۱۳۷۶ش، ج ۱، ص ۲۱۷) سبک زندگی بادیه‌نشینی برخی قبایل و عبور کاروان‌های حج از سرزمین آنان موجب می‌شد که آنان در زمان‌های تنگدستی به غارت کاروان‌ها روی بیاورند و لقب «سُّراق الحَجَّیج» بگیرند. (سمعانی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۳۲ - ۳۳)

صحرانشینان راهزنی و غارت را کاملاً درست و حق نیاکان خود می‌دانستند. به باور آنان، صحرا زمینی است که به‌گونه موروثی به آنها رسیده است. (سباعی، ۱۴۲۰، ص ۳۵۸) آنان دریافت‌های خود از حجاج و زائران را مالیات عبور می‌دانستند که برای حفظ امنیت می‌ستاندند. (قالین، ۲۰۰۸م، ص ۲۰۹؛ جعفریان، ۱۳۸۹ش، ص ۲۲۳-۲۳۲) بنابراین مشکل اصلی حاجیان در مسیر حج، اعراب صحرانشین بودند که به راهزنی و باج‌گیری از کاروان‌ها می‌پرداختند و گاه حاجیان را اسیر می‌کردند. (ابن اثیر، ۱۴۰۷ق، ج ۹، ص ۲۳۶؛ کردعلی، ۱۳۹۰ق، ج ۵، ص ۱۶۸)

مطابق آنچه گفته شد، نخستین چالش بزرگ برای سلامتی زائران خانه خدا، به خصوص آنان که از مسافت‌های طولانی و دور به مکه سفر می‌کردند، خطرات ناشی از راه بود. مسیر حج، که بخش عمده‌ای از آن از بیابان‌های

خشک جزیره العرب می‌گذشت، خطر راه را دوچندان می‌کرد. حمله راهزنان به کاروان حاجیان، سلامتی حاجیان را در سفر حج به خطر می‌انداخت. چنین چالشی هر چند در دوره‌هایی از تاریخ، به دلیل بهبود شرایط امنیت در راه‌ها شدت کمتری می‌یافت، از خطرات همیشگی راه حج، به خصوص در محدوده جزیره العرب به شمار می‌آمد. بیابان‌های جزیره العرب مکان مناسبی برای پراکنده شدن قبایل بیابان‌نشین بود که معمولاً به راهزنی از کاروان‌های تجاری و کاروان حاجیان می‌پرداختند. بیشتر مواقع، حمله راهزنان به کاروان، افزون بر غارت اموال یا اخذ باج، به کشته شدن افراد نیز منجر می‌شد و در دوره‌هایی که ناامنی فراگیر بود، سفر حج از برخی مسیرها را به تعطیلی می‌کشاند. (ابن اثیر، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۵۷۴؛ ج ۹، ص ۲۰۵؛ ج ۱۱، ص ۱۴۸؛ جعفریان، ۱۳۸۹ش، ج ۷، ص ۷۰۴ - ۷۱۱ و ج ۸، ص ۴۴۴)

قابل یادآوری است که زائران مغرب اسلامی در صورت سفر از راه خشکی از فاس به تلمسان، الجزائر، بجایه، تونس، طرابلس، برقه، طبرق وارد شده و پس از آن به اسکندریه و سپس به قاهره می‌رسیدند. (عبدری، ۱۴۲۶ق، ص ۳۲۹ - ۳۳۹) در صورت انتخاب سفر دریایی نیز به موازات کرانه‌های جنوبی دریای مدیترانه تا مصر و سپس به اسکندریه می‌رفتند. (ابن جبیر، ص ۷ - ۸) از مصر نیز دو راه تا رسیدن به مکه وجود داشت: یکی با گذر از صحرای سینا به ایله در خلیج عقبه می‌رفتند و از آنجا یا از راه خشکی و با گذر از منازلی چون مدین، الاغر، کلابیه، شغب و سقیا به راه شام وارد می‌شدند یا از راه ساحلی به یمن رفته و از آنجا به مدینه یا مکه رهسپار می‌شدند. (المناسک و اماکن طرق الحج، ۶۴۹ - ۶۵۲)

پس از اشغال الجزایر به دست نیروهای فرانسه در سال ۱۸۳۰ میلادی استفاده از راه خشکی رو به کاهش نهاد و حاجیان بنا به انگیزه‌های امنیتی و اقتصادی، سفر از راه دریا را ترجیح می‌دادند تا آنکه از سال ۱۸۵۴ تا ۱۸۵۷ میلادی سفر از راه دریا تنها گزینه بود و این با حاکمیت کشتی‌های بخار در

سواحل مغرب هم‌زمانی داشت. (مجله میقات حج، شماره ۴۴، تابستان ۱۳۸۲، صفحه ۱ - احمدرضا آذیر؛ محمد امین بزّاز و فوزیه کراز، مسالک حجاج المغاربه من خلال بعض رحلات المغربیه الرحلات الحجازیه، مؤتمر طرق حج افریقیا)

مشکل ناامنی تنها به مسیر حج محدود و معطوف نبود، بلکه این چالش در حرمین و مشاعر آن نیز مشهود بود؛ برای نمونه در یک حمله قرامطه با ایجاد ناامنی در مکه، حجگزاران بسیاری را کشتند و جنازه‌های‌شان را در چاه زمزم ریختند و با ناامن کردن شهر مکه، حجرالاسود را به بحرین انتقال دادند. (یاقوت حموی، ۱۹۹۵م، ج ۲، ص ۲۲۴) چنین چالشی گاهی موجب منع از حجگزاری می‌شده؛ چنان که در سال ۳۱۶ به دلیل ترس از قرامطه هیچ‌کس حج به جا نیاورد. (ذهبی، ۱۴۱۰، ج ۲۴، ص ۵۲).

قابل یادآوری است که ناامنی حاصل از ظهور قرامطیان (۲۷۳ - ۴۷۰ق) یعنی پیروان ابوطاهر قرامطی در جزیره العرب نخستین مورد مهم راهزنی است که از سال ۲۹۴قمری آغاز شد و با حمله قرامطیان به مکه در سال ۳۱۶قمری. به اوج رسید و حرکت برخی از کاروان‌های حج را سال‌ها با دشواری روبه‌رو کرد. (طبری، ۱۳۷۸ق، ج ۱۱، ص ۲۲، ۱۱۹؛ ابن خلدون، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۱۲۹) حتی پیش از آن نیز حمله قبایل عرب به کاروان حاجیان، از جمله به سال ۲۸۷قمری رخ داده بود. (طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۱۰، ص ۷۴؛ ابن فهد مکی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۳۵۵). قرامطه سال‌های بسیار، راه حج را ناامن کرده و اموال حاجیان را غارت می‌کردند (سمعانی، ۱۴۰۸ق، ج ۶، ص ۵۷؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۳، ص ۴۹) رقابت و درگیری میان خاندان‌های اشراف حاکم بر حرمین شریفین و دخالت قدرت‌های ذی‌نفوذ در این شهرهای مقدس نیز امنیت حجاج را تهدید می‌کرد و در برهه‌هایی موجب آسیب دیدن حجاج می‌شد و حتی گاهی تعطیلی حج را به دنبال داشت. (پژوهشکده حج و زیارت، ۱۳۹۲ش، ص ۵۹۳ - ۶۰۶) قابل یادآوری است که رقابت دولت‌ها در حرمین بیشتر خود را در اختلاف

کاروان عراق و مصر نشان می‌داد و گاه جنگ و نزاع بین آنها اجتناب‌ناپذیر می‌شد. از سده سوم تا دوران متأخر هر از گاه در موسم حج، میان این دو کاروان شرق و غرب اسلامی درگیری رخ می‌داد و آزار و رنج حاجیان را موجب می‌شد. (ابن فهد مکی، ج ۱، ص ۳۲۸)

۲. چالش‌های سیاسی

مغرب اسلامی به دلیل دوری از مرکز خلافت عباسیان، همیشه در بحران و شورش بود. این منطقه محل نزاع و رقابت گروه‌های مختلف اعراب بومی و محلی و اعراب شامی (یعنی دولتمردان مرکزی و کارگزاران مغربی و بربرها) بودند. (ناصری طاهری، ۱۳۸۹، ص ۱۷) همچنین این منطقه از اواخر قرن اول به بعد پایگاهی برای دو فرقه معتدل صفریه و اباضیه از خوارج و تأسیس دولت‌های خارجی مذهب مانند بنی مدرار و بنی رستم بود. (عبدالرزاق اسماعیل، ۱۴۰۶ق، ص ۴۳_۴۴) قیام‌های علوی نیز برای دستگاه خلافت چالش عمده‌ای بود؛ چنان که برای نمونه، به سال ۱۴۵ قمری یزید بن حاتم، حکمران مصر، از سوی ابوجعفر منصور عباسی مردم را از رفتن به حج، به دلیل خروج نوادگان امام مجتبی علیه السلام، بازداشت. (ابن تغری بردی، ۱۳۹۱ق، ج ۲، ص ۲) درگیری و رقابت دولت‌های تأسیس شده در مغرب با دول دست نشانده عباسی، مانند اغالبه و اخشیدیان و نیز با ادراسه در مغرب (ناصری طاهری، ۱۳۸۹، ص ۲۳) نیز بی‌تردید بر امر حجگزاری تأثیرگذار بود. پس از تضعیف دولت عباسیان و شکل‌گیری دولت‌های متعدد در قلمرو اسلامی، رقابت‌های دولت‌ها بر حجگزاری مردم تأثیر داشت؛ چنان که قدرت گرفتن فاطمیان در مصر و سلطه آنها بر حرمین (قلقشندی، ۱۹۸۱م، ج ۸، ص ۲۷۲) اختلاف دامنه‌داری را میان آنها و عباسیان پدید آورد. (خرابشه، ۱۹۹۹م، ص ۳۷) در این دوران حج کاروان‌های شام و مصر و مغرب گاه با مشکلاتی همراه بود. پیش‌تر نیز سلطه اخشیدیان بر مصر و شام و حرمین و اختلاف با امیر الامرای بغداد چند سالی حج این نواحی را به تعطیلی کشاند. (سباعی، ۱۴۲۰ق، ص ۱۷۴)

حمله فاطمیان به قلمرو ادریسیان و نیز لشکرکشی امویان اندلس به مغرب (ابن خلدون، ۱۹۸۵م. ج ۳، ص ۲۰-۳۲) موجب آشفتگی و نابسامانی در مغرب می شد. در گزارشی آمده است که در سال ۴۳۰ قمری هیچ کس از مصر و شام و مغرب و عراق به حج نرفت و در سال های ۴۳۱، ۴۳۶-۴۳۷ و ۴۳۹ قمری نیز تنها مصری ها به حج رفتند. (سیوطی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۴۴۵-۴۴۶) در این گزارش ها، عنوان مغرب، شامل سرزمین های گوناگون این منطقه، اعم از اندلس، مراکش، تونس و الجزایر است.

اختلافات داخلی در کشورهای مغرب اسلامی بر امر حجگزاری تأثیر داشت؛ چنان که پس از پیروزی مبارزان و استقلال الجزایر، اتحادها از هم گسیخت و اختلاف ها آشکار شد و نبردهای داخلی در الجزایر به راه افتاد و تا پس از کودتای آرام و بدون خونریزی «بومدین» بر ضد بن بلاء، بر اثر سرکوب ها و ایجاد محدودیت ها، آرامش در الجزایر برقرار شد. (اسعدی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۱۵۰-۱۵۷)

لیبی نیز از سال ۲۰۱۱ قمری پس از سقوط معمر قذافی، دچار جنگ داخلی بین دو گروه دولتی و نیروهای نزدیک به خلیفه حفره شده است. در واقع می توان گفت لیبی به دو بخش تقسیم شده است: در شرق کشور نیروهای حفره مستقر هستند و در غرب دولت مستقر در پایتخت قرار دارند. این ناآرامی ها گاهی منجر به آسیب دیدن حجاج شده است؛ چنان که رسانه های محلی گزارش دادند که در حملات هوایی، تعدادی از زائران بیت الله الحرام لیبی به شدت زخمی شدند. (خبرگزاری شبستان ۲۹ شهریور ۹۹) در چنین وضعیتی عربستان سعودی برای روحیه دادن به نیروهای حفره، برای بازماندگان نیروهایی که در جنگ طرابلس کشته شد، در سال ۲۰۱۹ میلادی تعداد ۱۷۵۰ رواید حج برای آنان صادر کرد.

۳. چالش های بلایای طبیعی

تحمل مشکلات و بلایای مسیر طولانی حج، ضرورتی تجربی بود که درباره

سختی آن گفته‌های صاحبان تجربه در منابع بازتاب یافته است؛ چنان که برخی از اندیشوران به حجگزاران اندلسی و مغربی پند داده‌اند که در گذر از این منازل، بیشتر از هر چیز باید صبر و تحمل داشت. (تازی، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۲۵۲) وقوع طوفان، سیل و سرمای شدید، سختی‌های راه دریایی، گرانی و کمبود ارزاق عمومی، قحطی و نابسامانی از مشکلات تحمل‌ناپذیر سفر حج بود. (ابن فهد مکی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۴۱۳ و ج ۳، ص ۷۱۴؛ کردی، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۳۷۳؛ آل بسام، بی تا، ج ۱، ص ۲۲۸)

مطابق برخی نوشته‌ها، برخی حجگزاران در مسیر حج دچار رنج‌های بسیار می‌شدند و می‌مردند یا کشته می‌شدند. (زنون طه، ۲۰۰۴م، ص ۱۰۶) همچنین گاه ناآگاهی از تنظیم زمان یا به سبب گم کردن راه و به موقع نرسیدن کاروان، مردمان را مجبور به بازگشت بدون انجام مناسک می‌کرد. (ابن فهد مکی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۴۱۱) بخش‌های وسیعی از مغرب اسلامی در صحرای بزرگ آفریقا واقع شده است که از مشخصه‌های آن کمی بارش، تبخیر زیاد و گرمی آب و هواست. چالش کمبود آب در این منطقه و نیز در حجاز پیوسته تا برقراری سفر هوایی و وسایل نقلیه موتوری وجود داشته است. از این رو حاجیان به علت دمای بالای هوا در روز، بیشتر در شب راه می‌پیمودند. طولانی و سخت بودن راه و کم‌آبی به علت آشامیدنی نبودن آب بسیاری از چاه‌ها، سفر از راه حج مغربی را دشوار می‌کرد. حجگزاران مغربی پس از طی مسافت بسیار طولانی از طریق بندر عقبه عازم مکه مکرمه می‌شدند. در آنجا آب برکه از باران تهیه می‌شد و در سالی که باران نمی‌بارید، آب یافت نمی‌شد. (سیف الدوله، ۱۳۶۴ش، ص ۱۵۲)

در سال‌های ۲۳۲، ۲۵۹، ۲۶۴ و ۲۹۵، گروهی از حاجیان، به دلیل گرفتاری در بی‌آبی، در راه حج جان باختند. (طبری، ۱۳۷۸ق، ج ۸، ص ۱۵۰ و ج ۹، ص ۱۵۰، ۵۰۱ و ج ۱۰، ص ۱۳۹) نبود آب و وقوع طوفان در برخی سال‌ها باعث توقف کاروان حج یا کشته شدن بسیاری از حاجیان می‌شد. (طبری،

۱۳۷۸ق، ج ۸، ص ۱۵۰ و ج ۹، ص ۱۵۰، ۵۰۱ و ج ۱۰، ص ۱۳۹؛ ابن اثیر،
 ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۳۴ و ج ۹، ص ۲۰۵؛ درب زبیده، ص ۹۹ - ۱۰۰)

چالش قحطی و نبود یا کمبود آب حتی منجر به تعطیل حج می شد؛ چنان
 که در سال ۳۶۳ قمری کاروان عراق، که محمد بن عمر علوی امیر الحاج آن
 بود، به سبب نداشتن آب از مکه به مدینه تغییر مسیر دادند و ناچار شدند حج
 را تعطیل کنند. (ابن جوزی، ۱۳۶۹ق، ص ۱۸۳ - ۱۸۴) همچنین کاروان حج
 عراق در سال ۴۰۶ قمری از بیم عطش و بی آبی موفق به انجام حج نشدند.
 (همان، ص ۲۹۹)

در بسیاری از آثار مربوط تاریخ مکه، عنوان یا فصلی با نام سیل ها وجود
 دارد؛ چنان که برخی (ابن فهد، ۲۰۰۵م، ج ۱، ص ۲۳۱ - ۲۳۷)، بابتی تحت
 عنوان «سیل های مخرب مسجدالحرام» آورده اند. در کتاب *شفاء الغرام* نیز بابتی
 به این موضوع اختصاص یافته است. (فاسی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۴۰۹)

احداث سیل بندهای متعدد در مکه حاکی از جدی بودن خطر سیل در آن
 است؛ چنان که پس از سیل سال ۸۰ قمری در مکه به دستور عبدالملک بن مروان،
 سیل بندهای متعدد احداث شد. (ازرقی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۱۶۸ - ۱۶۹) در سال
 ۲۰۲ قمری بر اثر سیلی بزرگ، که به سیل ابن حنظله مشهور شد، آسیب هایی به
 مسجدالحرام و کعبه وارد آمد. مأمون عباسی پس از این رویداد، برای رفع
 خرابی ها و تعمیر آسیب ها اموالی به مکه فرستاد (ازرقی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۱۷۰)
 سیل سال ۲۴۰ قمری در منا نیز آسیب های جانی و مالی بسیاری در برداشت.
 (ازرقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۹۸ - ۲۹۹) در سال ۸۲۵ قمری، افزون بر بخش هایی
 از مکه سیل به کعبه نیز آسیب رساند. (کردی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۲۴۷)

جمرات از این رو که در مسیر سیلاب قرار داشت، سیلاب های متعددی در
 آن جریان می یافت. حادثه بارش باران شدید و بی سابقه در منا و ریزش کوه در
 جمرة عقبه در سال ۲۲۸ قمری موجب کشته شدن گروهی از حج گزاران شد.
 (طبری، ۱۳۷۸ق، ج ۹، ص ۱۲۴؛ ابن جوزی، ۱۳۶۹ق، ج ۱۱، ص ۱۲۹؛ ابن اثیر،

۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۹) سال ۲۴۱ قمری گزارشی از سیلی شدید خبر می‌دهد که جمره را از جا کند. پس از این حادثه، متوکل عباسی (حک: ۲۴۷ - ۲۳۲ق)، اسحاق بن سلمه (از استادکاران ماهر در بازسازی و ساخت و ساز) را مأمور ترمیم جمرات کرد. (ازرقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۹۹ - ۳۰۰) بنا بر این انعکاس اخبار ناگوار منا، برای زائران دلهره ایجاد می‌کرد.

گرمزدگی: این چالش که ناشی از اقامت طولانی مدت زیر تابش مستقیم خورشید، کم شدن آب بدن و بالا رفتن دمای بدن است، از بیماری‌های شایع در دوران حج است. (تغذیه و بهداشت زائران در حج و عمره، ص ۴۵؛ راهنمای بهداشت حج، ص ۱۹، ۲۶) گفته شده از گرمای بی سابقه سال ۸۳۳ قمری هیچ یک از حجاج جان سالم به در نبرد و تمام آذوقه و محموله تجاری و چهارپایانشان هم از بین رفت. (مقریزی، ۱۴۱۸ق، ج ۷، ص ۲۱۲ - ۲۱۳)

۴. چالش اقتصادی

دوری مسیر موجب می‌شد حجگزاران در طول راه با مشکل مالی رو به رو شوند. (The Muslim world vol 89, p70) بحران‌های سیاسی پی‌درپی، درگیری‌های والیان با بربرها، پیکار خوارج با حکومت‌های مرکزی، جنگ‌های قبیلگی رایج در مغرب و مهم‌تر از همه توجه امیران و دولتمردان به امور نظامی و بی‌توجهی آنان به مسائل اقتصادی، موجب شد تا مغرب از نظر اقتصادی سامان نگیرد. (ناصری طاهری، ۱۳۸۹، ص ۴۰)

مشکل دیگر برای حجگزاران مغرب اسلامی، اخذ مالیات (مُکُوس) بود که بر حسب خواسته باج‌گیران افزایش می‌یافت و در بندرهای گوناگون مانند صعید (در مصر)، قُلْزَم (دریای سرخ) در مرزهای اسکندریه و فرما (مقدسی، ۱۴۰۸ق، ص ۲۱۳) گرفته می‌شد. سفرنامه‌نویسان مغربی و اندلسی مانند ابوحامد غرناطی، ابن جُبیر، عبدری، ابن بطوطه، تُجیبی و بَلَوی دیده‌های خود را از سختگیری‌های مالیات‌بگیران نگاشته‌اند. گزارش ابن مُجاور (م. ۶۹۰ق)، که از مناطق شرقی به حج آمده و شاهد سخت‌گیری بر مغربیان و اندلسیان و اخذ مالیات افزون بر

توانشان بود، تأییدی بر گزارش سفرنامه‌نویسان اندلسی است. بر این اساس، پاره‌ای از فقیهان اندلسی و مغربی در مواقع خطر و جوب حج را از مردمان این سرزمین‌ها ساقط دانسته‌اند. ابوبکر طرطوشی، ابوبکر بن العربی، ابن رشد، لخمی، ابن طلحه، و ابوعمران فاسی نظریات و فتاوی فقهی در این زمینه طرح کرده و حجگزار اندلسی را در پاره‌ای از زمان‌ها مستطیع ندانسته‌اند. ابن رشد در دیدگاهی فقهی گفته است: «حج در زمانه ما (سده ششم ق) به دلیل عدم استطاعت، از مکلفان ساقط است». (نواف عبدالعزيز، ۲۰۰۸م، ص ۲۵۹)

در حرمین شریفین نیز زائران خانه خدا با مشکلات فراوانی از جمله سوء استفاده مالی برخی مطوفان (جعفریان، ۱۳۸۹ش، ج ۵، ص ۱۷۰؛ طالقانی، ۱۳۸۱، ص ۱۱۶) روبه‌رو بودند. همچنین اسکان حاجیان از وضعیت مناسبی برخوردار نبود. وقوع قحطی در مکه در برخی سال‌ها تهیه آذوقه حاجیان را با مشکلات جدی مواجه می‌ساخت؛ از جمله در سال‌های ۷۶ قمری (همان، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۹۱) و سال‌های ۲۵۱، ۲۶۰، ۲۶۶ و ۲۶۸ (ابن فهد مکی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۳۴۲)، ۴۴۰ و ۴۴۷ قمری که موجب افزایش قیمت و نایاب شدن نان و مواد غذایی دیگر گردید. (فاسی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۳۲۵) درگیری داخلی میان شرفا (سادات حسنی حاکم بر مکه) در حرمین نیز موجب کمبود و گرانی می‌گردید. (میرزا داوود، ۱۳۷۹ش، ص ۱۶۲ و ۱۶۹؛ رفعت‌پاشا، ۱۳۲۷ق، ص ۵۱۰؛ خلیلی، ۱۳۷۶ش، ص ۱۰۶)

اطلاع از کمبود آذوقه در مدینه بعضاً موجب می‌گردید تا حجگزاران پس از حج، از زیارت مدینه منصرف شده و به وطن خود بازگردند. (هدایتی، ۱۳۸۴ش، ص ۱۶۵، ۱۷۳) البته به رغم قحطی شدید در برخی سال‌ها باز هم مغربیان برای انجام حج اهتمام داشتند؛ چنان که ناصر خسرو قبادیانی گزارش می‌دهد که به سال ۴۴۰ قمری، که قحطی حجاز را فراگرفته بود، کاروانی بزرگ از حاجیان مغرب در مراسم حج حضور داشت. (ناصر خسرو، ۱۳۸۱ش، ص ۱۰۵)

در خود مکه مکرمه نیز بارها قحطی اتفاق می‌افتاد؛ چنان که در پایان سال ۴۱۶ قمری قحطی بزرگی در آن شهر رخ داد که موجب تعطیلی حج گردید. مورد دیگر قحطی در سال ۸۱۵ قمری در مکه گزارش شده که بر حجگزاران آن سال تأثیرگذار بوده است.

از مالیات‌هایی تحت عنوان مکوس که بر بسیاری از امور، از جمله حجاج و اموالشان در عصر فاطمی وجود داشت، سخن گفته شده است. مالیاتی که گاه از ده تا بیست و پنج درصد بر اموال گرفته می‌شد؛ (قلقشندی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۵۴۰ - ۵۳۸) مقریزی (م ۸۴۵ق) این مالیات را غیر شرعی و غیر قانونی عنوان می‌کند. (مقریزی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۱۹۴)

سخت‌گیری بر مکوس در بندر جده به حجاج تا حدی بود که اگر شخصی توانایی پرداخت آن را نداشت زندانی می‌شد و موسم حج را از دست می‌داد. (ابن جبیر، ۱۹۸۶، ص ۴۶) به‌علاوه در آن زمان در بندر قلمز و عیذاب با حاجیان، اعم از مرد و زن، به‌شدت بدرفتاری می‌شد و بسیاری از امولشان توسط مأموران بندر و کشتی‌ها تصاحب می‌شد. ابن‌جبیر، که در آن دوران از مسیر دریا به حج رفت و شرایط سخت موجود را تجربه کرد، بندر عیذاب را بندر عذاب می‌نامد و آرزو می‌کند که مجدداً سفر حج به راه خشکی باز گردد. (ابن جبیر، ۱۹۸۶م، ص ۳۱)

۵. چالش بهداشتی

وضع نامناسب بهداشتی در مسیر و به‌ویژه در موسم حج از دیگر مشکلات حجگزاران مغرب اسلامی بود. برپایی قرنطینه برای جلوگیری از فراگیر شدن بیماری‌های واگیردار موسم حج، اثر دیگری بود که اروپا بر حجگزاری مسلمانان نهاد. این روش افزون بر کشورهای اروپایی و مستعمرات آنها در دیگر کشورهای اسلامی که بر سر راه حاجیان قرار داشتند، از جمله عثمانی و مصر، پی گرفته شد. (One thousand roads to mecca. P321).

قرنطینه‌های طولانی و عدم امکانات بهداشتی در مسیر و در شهرهای مکه

مکرمه و مدینه منوره از معضلات مهم زائران بیت الله الحرام بود. حاجیانی که از راه‌های طولانی به شهرهای مکه و مدینه سفر کرده بودند و متحمل سختی و خستگی راه بودند، مستعد بیماری‌های گوناگون می‌شدند. تغییر آب و هوا، به خصوص برای اقوامی که در سرزمین‌های سردسیر زندگی می‌کردند و تحمل گرمای شدید جزیره العرب را نداشتند و با روش زندگی در این منطقه ناآشنا بودند، خطرآفرین بود. خوردن غذاهای متفاوت، که بدن حاجیان بدان عادت نداشت، نیز چالشی پیش روی حاجیان به شمار می‌رفت. (صبری پاشا، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۱۱۸؛ دولت‌شین، ۱۴۱۴ق، ص ۲۴۵ - ۲۴۶)

مهم‌ترین عامل چالش برانگیز بهداشتی برای حاجیان، در گذشته و امروز، تجمع تعداد زیاد حاجیان در یک مکان بود که احتمال شیوع بیماری‌های واگیردار را بالا می‌برد. نبود شرایط مناسب برای اسکان حاجیان، از جمله عوامل اصلی مشکلات بهداشتی حاجیان در مکه و مدینه در گذشته بود. بسیاری از حاجیان امکان مالی مناسب برای سکونت در خانه‌های اجاره‌ای مکه یا مدینه را نداشتند و در فضای باز سکونت می‌کردند یا در برخی مکان‌های عمومی، مانند کاروانسراها (رباط‌ها) یا مکان‌هایی که فضایی سقف‌دار بود و با شرایط نامناسب برای حاجیان فقیر اختصاص داده می‌شد، سکونت می‌کردند. (دولت‌شین، ۱۴۱۴ق، ص ۱۴۴؛ جولدن صاری، ۱۴۲۲ق، ص ۱۵۸) حتی تا دهه‌های اخیر نیز بسیاری از حاجیان مدتی از سفر را در فضای باز می‌گذراندند یا در باغ‌ها ساکن می‌شدند که فاقد حمام و مستراح بهداشتی بود. (با من به خانه خدا بیایید، ص ۳۱۳ - ۳۱۴) بخشی از افرادی که جایی را اجاره می‌کردند، معمولاً همراه تعداد زیادی از حاجیان، در اتاقی کوچک زندگی می‌کردند که گاهی فاقد تهویه هوای مناسب بود. (صبری پاشا، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۱۱۵ - ۱۱۶)

در گذشته امکانات بهداشتی مکه و مدینه، با توجه به افزایش جمعیت این شهرها در موسم حج، چندان مطلوب نبود. ورود کاروان‌ها و چهارپایان آنان به شهر باعث تجمع فضولات حیوانات می‌شد که گاهی حتی تا داخل حرم را

آلوده می‌کرد. (مجموعه رسائل خطی فارسی، دفتر اول، ص ۳۶ - ۳۷) این شهرها از حمام کافی برخوردار نبود. (جعفریان، ۱۳۸۹ق، ج ۴، ص ۵۶۹) شهرها فاقد سیستم بهداشتی برای دفع زباله‌ها و فاضلاب بودند و فاضلاب منازل، به چاه‌هایی در کوچه‌ها می‌ریختند که در طول سال چند بار تخلیه می‌شدند. (جولدن صاری، ۱۴۲۲ق، ص ۲۱۴ - ۲۱۵، ۱۵۵ - ۱۵۶)

یکی از مهم‌ترین مشکلات بهداشتی شهر مکه، منبع اصلی آب این شهر بود که از چشمه زبیده تأمین می‌شد و به وسیله کانالی به سوی مکه هدایت می‌شد. این آب، در مسیر مکه، از عرفات و منا می‌گذشت و بخشی از آبی که مورد استفاده حاجیان برای شست‌وشو و غسل قرار می‌گرفت، به مسیر آب ورودی به شهر باز می‌گشت و این باعث انتقال سریع بیماری‌ها بود. (دولت‌شین، ۱۴۱۴ق، ص ۲۰۷ - ۲۰۹)

نبود سازوکاری مشخص برای دفن لاشه قربانی‌ها، از دیگر عوامل شیوع بیماری در مکه و از عوامل خطر ساز برای بهداشت این شهر بود که تمام زائران را تهدید می‌کرد. در بسیاری از مواقع لاشه‌ها بعد از قربانی شدن، مقابل چادر محل اقامت حاجیان رها می‌شد و با توجه به گرمای هوای حجاز، صحرای منا به سرعت از بوی تعفن لاشه‌ها پر می‌شد. رسم بر این بود که لاشه حیوانات زیر خاک دفن شود، اما بسیاری از حاجیان چنین کاری نمی‌کردند. در برخی دوران‌ها نیز گودال‌های بزرگی برای دفن لاشه‌ها تعبیه می‌شد. (صبری پاشا، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۱۱۴؛ دولت‌شین، ۱۴۱۴ق، ص ۲۱۰ - ۲۱۱؛ کردی، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۲۸۹)

در سال ۱۷۴ قمری وبایی در مکه شایع شده بود که باعث شد هارون‌الرشید بعد از انجام حج به سرعت مکه را ترک کند. (ابن فهد مکی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۲۲۶) به گزارش منابع تاریخی، در سال‌های ۲۱۲، ۴۳۳، ۶۰۰، ۶۴۹، ۶۷۱، ۷۴۹، ۷۹۳ و ۸۱۹ قمری وبا در مکه شیوع یافت. (ابن فهد مکی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۲۲۶، ۲۷۹، ۲۶۰، ۲۳۸؛ فاسی، ۱۴۲۲ق، ص ۲۲۳؛ ابن صباغ، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۷۶۱)

بر پایه گزارش پروست، در سال ۱۸۹۳ میلادی، به دلیل نبود افراد کافی برای حمل و دفن اجساد، خیابان‌های شهر مکه لبریز از اجساد و بازندگان بود و بیماران بسیار در خانه‌های این شهر بدون طبیب و درمان با مرگ روبه‌رو بودند. در راه حج نیز مبتلایان فراوان از کاروان‌ها جا می‌ماندند یا کاروانیان کسانی را که امیدی به بهبودشان نبود، از روی شتران به زمین می‌انداختند و باور داشتند آنان که در حجاز بمیرند، روحشان به بهشت راه می‌یابد.

تجمع افراد زیاد در یک مکان و به خصوص در زمان وقوف در عرفات و منا، نبود شرایط بهداشتی مناسب در مکه و به خصوص کمبود آب، و هوای گرم حجاز، در دوره‌هایی از تاریخ حرمین، به شیوع بیماری‌های فراگیر کمک می‌کرد؛ بیماری‌هایی که با عنوان وبا و طاعون شناخته می‌شدند. وبا در عربی نامی برای بیماری‌های عام و فراگیر بود. (غازی، ۱۴۳۰ق، ج ۲، ص ۴۵۹ - ۴۶۰) طاعون نیز در فرهنگ‌های عربی، گاه هم‌معنا با وبا آمده است و گاه به عنوان نوعی بیماری عام و به تعبیری دیگر، نوعی وبا شناخته شده است. (ابن صباغ، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۸۸۶ - ۸۸۷) در سده نوزدهم، دور تازه‌ای از شیوع بیماری‌های فراگیر (به شکل وبای کولیرا) در جهان و از جمله در مکه و مدینه آغاز شد. در این دوران به دلیل بهبود وسایل حمل و نقل و به خصوص رواج مسافرت دریایی، تعداد حاجیان بسیار زیاد شده بود و وبا در مکه به سرعت منتشر می‌شد و به شدت قربانی می‌گرفت. در سال ۱۸۶۵ میلادی وبای شدیدی در حجاز شیوع یافت که به کشته شدن ۲۵ تا ۳۰ هزار نفر انجامید و از آنجا به کشورهای مصر و سپس به اروپا و آمریکا منتقل شد. (دولتشین، ۱۴۱۴ق، ص ۱۴۲)

در سال ۱۸۹۳ میلادی یکی از شدیدترین وبا‌های تاریخ حجاز شیوع یافت. این وبا در موسم حج، شیوع یافت و حدود سی هزار کشته بر جای گذاشت. (جولدن صاری، ۱۴۲۲ق، ص ۱۳۹ - ۱۶۴؛ دولتشین، ۱۴۱۴ق، ص ۲۴۴) شیوع وبا تا سال ۱۹۱۲ میلادی ادامه داشت.^۱

1. the Hajj Today, p.81.

بیماری وبا یا طاعون، تنها بیماری فراگیر در حرمین نبود؛ از جمله می‌توان به بیماری تب دنگی اشاره کرد که به عنوان نمونه در سال ۱۲۸۲ قمری شیوع یافته بود. (ابن صباغ، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۸۹۶؛ نک: دولت‌شین، ۱۴۱۴ق، ص ۱۵۸) طوفان‌های موسمی که هزارچندی برمی‌خاست نیز از چالش‌های مسیر حجاج بود که برخی مواقع موجب گم‌گردن مسیر می‌شد. رواج بیماری آنفولانزای مرغی در جهان و احتمال سرایت آن به حاجیان در سال ۲۰۱۰ میلادی موجب کاهش پنجاه درصد زائران مصر و سایر کشورهای اسلامی شد. (ورعی، ۱۳۹۰ش، حج ۳۰، ص ۱۶۷)

چالش‌های خارجی

۱. چالش استعمار

کشورهای مغرب اسلامی در شمال آفریقا همگی برای مدتی طعم تلخ استعمار را چشیده‌اند. با آغاز دوران استعمار، حج مسلمانان در کشورهای اشغال شده در مغرب اسلامی با سیاست‌ها و تصمیم‌های دولت‌های اروپایی گره خورد و ساماندهی حج مسلمانان در کشورهای استعمار شده نیز به دست حاکمان اروپایی بود. آنان برای کسب مشروعیت در میان مسلمانان، کوشیدند زمینه را برای حج فراهم کنند. (میقات حج، ش ۵۹، ص ۱۶۱، «سیاست‌های دولت هند در مورد حج»؛ ر.ک: خاطرات سفر مکه، ص ۴۸ - ۴۹) با وجود این، مسلمانان معمولاً از کارشکنی دولت‌های اروپایی درباره حج شکایت داشتند. مشکلات اقتصادی و به‌ویژه رواج بیماری‌های واگیردار عاملی بود تا حاکمان اروپایی درباره سفر حج شرایطی سخت برقرار کنند. (المنار، ج ۳، ص ۸۵۵؛ میقات حج، ش ۵۹، ص ۱۶۱) افزون بر این، حج برای اروپاییان پیامدهای سیاسی منفی داشت و شماری از اروپاییان به حج‌گزاری مسلمانان کشورهای استعمار شده بسیار بدبین بودند. (هروخرونیه، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۵۷۲)

اجتماع مسلمانان در حج، محفلی مناسب برای انتشار افکار ضد استعماری

بود. مسلمانان در این اجتماع بزرگ، ستم کشورهای استعمارگر را برای یکدیگر بازگو می‌کردند و به احساسات ضد اروپایی در میان مسلمانان دامن می‌زدند. (هروخرونیه، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۵۷۹ - ۵۸۱) حج فرصتی مناسب برای داد و ستد گزارش‌ها میان ساکنان مناطق گوناگون یک کشور نیز بود. در این سفرها گزارش‌های شورش‌ها و اعتراض‌های یک منطقه به ساکنان دیگر مناطق می‌رسید و آنان را به شورش برمی‌انگیخت. (هروخرونیه، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۵۷۵)

حج باعث گسترش بیداری اسلامی در میان مردم می‌شد. البته همه حاجیان به‌گونه یکسان از این افکار اثر نمی‌پذیرفتند. طلاب علوم دینی و صوفیان از حضور در مکه بیشتر اثر می‌گرفتند و با اعتبار و نفوذی که پس از سفر حج در جامعه مسلمانان به دست می‌آوردند، به تشکیل و تقویت مقاومت‌های مذهبی بر ضد استعمارگران غیر مسلمان کمک می‌کردند. (هروخرونیه، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۵۸۱)

رفت و آمد میان حجاز و الجزایر در دوره استعمار فرانسه کاهشی چشم‌گیر یافت؛ به گونه‌ای که شمار حاجیان الجزایری به سال ۱۳۱۵ قمری بیشتر از ۲۷ تن نبود. با آنکه فرانسوی‌ها کاروان‌های رسمی را زیر نظر مأموران خودشان برای حج اعزام می‌کردند، از نگاه الجزایری‌ها آنها موانعی فراوان بر سر راه خواستاران سفر به حج قرار داده بودند. حاکمان فرانسوی الجزایر همچنین چند سال به نام پیشگیری از انتقال بیماری وبا از حجاز، که گویا آن روزها در عربستان فراگیر شده بود، مدتی حج را ممنوع کردند. برخی گزارش‌ها نشان می‌دهد که فرانسوی‌ها پس از مدتی ممنوعیت، به سال ۱۹۰۰ میلادی با این توضیح که وضعیت سلامت در شرق اسلامی به حد رضایت‌بخشی رسیده است، حجگزاری را آزاد کردند و دیگر بار در ۱۹۰۲ میلادی همگام با تونس، که از بیم انتقال وبا حج را ممنوع کرده بود، و نیز مصر، که به همین دلیل شرایطی سخت را برای حضور حاجیان در کاروان حج قرار داده بود، حج را ممنوع نمودند.

به ادعای الجزایری‌ها از آن رو که مکه در ایام حج میزبان مسلمانانی از همه کشورهای مسلمان بود، گزاردن حج فرانسوی‌ها را هراسان می‌کرد. بر این اساس فرانسوی‌ها نگران آن بودند که حاجیان الجزایری در بیرون از کشور بر ضد استعمار فرانسوی تبلیغ کنند یا هنگام بازگشت، افکار آزادی‌خواهانه را با خود به ارمغان بیاورند. (المنار، محرم ۱۳۲۰ق، ص ۷۹۱؛ ذی‌قعدة ۱۳۱۷ق، ص ۸۵۵؛ المجلد الاول، سنة ۱۳۱۵-۱۳۱۶، ص ۱۶۳) از این‌رو در این دوره هرکس موفق به گزاردن حج شده یا به قصد مهاجرت از الجزایر بیرون رفته یا با تن دادن به مقررات کاروان رسمی حج، به عربستان رفته است. مکه و مدینه در این دوره پایگاهی بود برای دانشوران انقلابی و مخالف استعمار که یا به میل خود جلای وطن می‌کردند یا به اراده فرانسوی‌ها تبعید می‌شدند.

امیر عبدالقادر از آن جمله است که یک بار پیش از اشغال کشورش همراه پدر به حج رفت و بار دیگر، آن‌گاه که در ۱۸۴۶ میلادی از الجزایر رانده شد، رحل اقامت در مکه افکند. عبدالحمید بن بادیس، بنیان‌گذار جنبش اصلاحی الجزایر، نیز در ۱۹۱۳ میلادی به حجاز رفت و پس از دیدار با محمد بشیر ابراهیمی، دانشور دیگر الجزایری که در ۱۹۱۱ میلادی مجاورت حرمین را برگزیده بود و در آنجا حلقه درس داشت، «جمعية العلماء الجزائريين» را بنیاد نهاد و سپس آن دو از میان شاگردان خود نیرویی نظامی تدارک دیدند. (الحج و العمرة، سال ۵۸، ش ۶، ص ۷۰، «رحلات الحج الجزائرية مصدراً للتاريخ الثقافي في الحجاز»؛ سال ۵۸، ش ۱۱، ص ۱۶-۱۷، «علماء الجزائر يستمدون جذور الاصلاح من المدينة المنورة» الجزایری‌ها در آن روزهای سخت سرگرم مقابله با تهاجم اسپانیایی‌ها و پرتغالی‌ها بودند و بسیاری از دانشورانشان رهبری مبارزات را بر عهده داشتند و راه‌ها نیز ناامن بود.

درباره چگونگی استعمار مغرب اسلامی باید یادآور شد که کشور افریقایی مراکش از نیمه دوم قرن ۱۹ میلادی به طور پراکنده مورد تجاوز دول اروپایی قرار می‌گرفت و به‌ویژه اسپانیا توانست به امتیازاتی در این منطقه دست یابد.

با آغاز قرن بیستم دولت‌های انگلستان، فرانسه، آلمان و اسپانیا به صورت رسمی تر و آشکاری وارد صحنه جغرافیایی این کشور شدند. این امر در حالی صورت می‌گرفت که بر سر تسلط کامل بر کشور مراکش، میان دول اروپایی اختلافاتی برپا شده بود. در نهایت در ۷ مارس ۱۹۱۲ میلادی میان سلطان وقت مراکش و دولت فرانسه توافقنامه‌ای امضا شد که به موجب آن، تحت حمایتی مراکش توسط فرانسه رسمیت می‌یافت و فرانسه نیز متعهد می‌شد منافع اسپانیا در این منطقه را تأمین نماید و متصرفات اسپانیا در مراکش را محترم بشمارد.

الجزایر از دیگر کشورهای مغرب اسلامی بود که تحت مستعمره در آمد. اسپانیایی‌ها در ۹۱۶ قمری بندر الجزایر را فتح کردند. الجزایری‌ها برای دفع اسپانیایی‌ها از دو برادر ترک، اروج و خیرالدین، از رئیس‌ان گروه‌های راهزن دریایی در بنادر تونس یاری خواستند. آنان با پشتیبانی عثمانی‌ها الجزایر، تلمسان و برخی سرزمین‌های ساحلی را آزاد کردند و خود بر آنها حاکم شدند. خیرالدین بربُروس (بارباروسا)، حاکم ترک این منطقه، همه سرزمین‌های زیر سلطه خود را تحت حمایت امپراتوری عثمانی اعلام کرد و از سلطان، عنوان بیگلر بیگی گرفت. (دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۰، ص ۱۳-۱۵) پس از ضعیف شدن امپراتوری عثمانی، استعمارگران چشم طمع به شمال آفریقا دوختند؛ چنان‌که الجزایر به اشغال فرانسه در آمد.

بهانه فرانسه در این هجوم، توهین «دای» (فرماندار) وقت عثمانی در سال ۱۲۴۳ قمری به کنسول فرانسه بود. (اسعدی، ۱۳۶۶ش، ج ۱، ص ۱۳۶-۱۳۷؛ حسین مونس، ۱۳۸۴ش، ج ۳، ص ۳۹۳) فرانسویان از لحظه ورود با مقاومت مسلمانان الجزایر روبه‌رو بودند و سی سال گذشت تا توانستند بر قیام‌های مردمی غلبه کنند. (حسین مونس، ۱۳۸۴ش، ج ۳، ص ۳۹۵-۴۰۹)

از مبارزان معروف، امیر عبدالقادر الجزایری است که سال‌ها در برابر اشغالگران جنگید و سرانجام قیام او شکست خورد. (گلی زواره، ۱۳۸۵ش،

ص ۳۳۹ - ۳۴۰) آنها بی‌وقفه زمین‌های بومیان را مصادره و به مستعمره‌نشینان واگذار کردند. مساجد را به کلیسا یا انبار سلاح بدل نمودند. زبان عربی و تعلیمات اسلامی را از برنامه درسی مدارس حذف، و بسیاری از دانشوران و رهبران اسلامی را تبعید کردند. تا سال ۱۸۶۰ میلادی/ ۱۲۷۷ قمری بیش از ۷۲٪ بناهای مذهبی الجزایر ویران شده بود. تا سال ۱۹۰۰ میلادی/ ۱۳۱۸ قمری سه میلیون تن از مردم این کشور جان دادند و مسلمانان الجزایر از رفاه نسبی به وضعیت اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی نامناسب سقوط کردند.

با ناکامی مبارزات سیاسی و سیاست‌گفت‌وگو برای اصلاح وضعیت الجزایر، جبهه آزادی‌بخش ملی در سال ۱۹۵۴ میلادی/ ۱۳۳۳ شمسی طرح‌هایی را برای قیام پیش رو نهاد. دیگر گروه‌های مذهبی و سیاسی نیز به این جبهه پیوستند و نبرد میان الجزایری‌ها و فرانسوی‌ها آغاز شد. مقاومت الجزایری‌ها نتیجه داد و پس از فراز و نشیب‌هایی، سرانجام دولت فرانسه و جبهه آزادی‌بخش در سال ۱۹۶۲ میلادی/ ۱۳۴۰ شمسی اعلامیه‌ای را در اویان فرانسه صادر کردند که تضمین‌کننده تشکیل دولت مستقل الجزایر پس از یک دوره انتقالی و تأمین حقوق و آزادی‌های فردی را در پی داشت. در همه‌پرسی همان سال ۹۱٪ رأی دهندگان به استقلال الجزایر رأی دادند. (اسعدی، ۱۳۶۶ش، ج ۱، ص ۱۳۸ - ۱۵۰) فرانسوی‌ها تا زمانی که الجزایر را در دست داشتند، آن را «آفریقای شمالی فرانسه» می‌نامیدند. (کورنون، ۱۳۶۵ش، ص ۱۰۰)

اشغال این کشور در سال ۱۸۳۰ میلادی به دست فرانسویان انجام شد. آنان افسران خود را به حکومت و فرماندهی آن کشور گماشتند و ۱۱۱ سال با خشونت بر آن حکم راندند. در این مدت قیام‌های گسترده‌ای علیه استعمار فرانسه شکل گرفت که از آن جمله قیام بزرگ عبدالقادر الجزایری در سال ۱۲۴۹-۱۲۶۳/ ۱۸۳۳-۱۸۴۷ بود که سرکوب شد. مردم الجزایر با وعده کسب استقلال در صف نیروهای فرانسه در جنگ جهانی دوم حضور داشتند؛ اما این خواسته آنان با سرکوب گسترده از سوی فرانسه مواجه شد و هزاران تن از

مردم الجزایر قتل عام شدند. کشتار سیستماتیک مردم الجزایر توسط سربازان فرانسوی از قتل عام سطیف و گلیمیا آغاز شد و تا زمان استقلال الجزایر در سال ۱۹۶۲ ادامه داشت. در طول مبارزات استقلال الجزایر نزدیک به یک میلیون تن کشته شدند که مسئول مستقیم آن فرانسوی‌ها هستند.

لیبی از دیگر کشورهای مغرب اسلامی بود که در سال ۱۹۱۴ میلادی تحت اشغال سپاهیان ایتالیا قرار گرفت. در پی این تحول سیاسی مهم، جنبش سنوسی به رهبری سیداحمد الشریف السنوسی (نوه سید محمد بن علی، بنیانگذار جنبش سنوسیه) مبارزات خود را با اشغالگران شروع کرد و در واکنش به اشغال لیبی از سوی ایتالیا، فتوای جهاد خود را در ۱۴ ژانویه ۱۹۱۲ صادر کرد. وی در این فتوا ضمن واجب کفایی دانستن جهاد، به هنگام حمله دشمن، آن را واجب عینی برشمرد و ترک جهاد در این صورت را به معنای ترک دین دانست و تارک آن را کافر معرفی کرد. (رادولف پیترز، ۱۳۶۵ش، ص ۱۰۳-۱۰۴) این فتوا در ترغیب مسلمانان به جنگ با متجاوزان تأثیر فراوان داشت.

با شکست لشکر ایتالیا توسط قوای متفقین در سال ۱۹۱۵، سراسر بخش شرقی لیبی تا سال ۱۹۱۶ میلادی در اختیار جنبش سنوسی درآمد. در این سال‌ها که جنگ جهانی اول جریان داشت، آشوب شدیدی بر لیبی حاکم بود و با پایان گرفتن این جنگ، ایتالیا نیز سلطه خود را بر این کشور پایدار کرد. در عین حال به نواحی طرابلس و سیرنائیک اجازه داد که برای خود مجلس محلی زیر نظر ایتالیا دایر کند. (بیات، ۱۳۸۴ش، ص ۵۵۵) در پی این اقدام، مردم لیبی «ادریس السنوسی» را، که از بزرگان قبیله سنوسیه بود، به نام ادریس اول به پادشاهی انتخاب کردند. در ژانویه ۱۹۳۴ میلادی دولت ایتالیا سرزمین لیبی را به یک مستعمره تبدیل کرد و نام آن را لیبی نهاد و در نهم ژانویه ۱۹۳۹ میلادی این مستعمره به طور رسمی به خاک ایتالیا ملحق شد. (امیرشاهی، ۱۳۷۷ش، ص ۶۱) در جریان جنگ جهانی دوم، لیبی یکی از میدان‌های اصلی نبرد متفقین از یک سو و ایتالیا و آلمان از سوی دیگر بود؛ چنان که از سال ۱۹۴۲ تا ۱۹۴۳

میلادی لیبی تحت اشغال سربازان انگلستان بود و از سال ۱۹۴۳ تا ۱۹۴۹ به طور موقت فرانسه و انگلستان در آنجا حکومت می‌کردند.

تونس نیز در سال ۱۲۹۳ قمری / ۱۸۸۱ میلادی تحت الحمايه فرانسه شد و سرانجام با تأثیر از جنبش بیداری در جهان اسلام و مقاومت مردم مسلمان این کشور در سال ۱۳۷۸ قمری / ۱۹۵۶ میلادی طعم استقلال را چشید.

۲. چالش نبردهای صلیبی

نبرد صلیبیان با مسلمانان در شرق و بخش‌هایی از جنوب دریای مدیترانه، که به طور متناوب چند دهه به طول انجامید، موجب ناامنی در برخی از مسیرهای حج، از جمله مسیر حج مغرب اسلامی، شد. چنین چالشی از یک سو و ناتوانی دولت فاطمیان (حک: ۲۹۷ - ۵۶۷ق) در مقابل صلیبیان از سوی دیگر، سبب شد تا حجگزاران شمال آفریقا برخی سال‌ها مانند مصریان از سفر حج صرف نظر کنند و مشقات فراوان آن را به جان نخرند. (مقریزی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۲۹۱) البته پس از ناامن شدن مسیر اصلی حج از سوی صلیبیان، حجاج راه دومی را برای سفر برگزیدند که در این مسیر با عبور از صحرای عیذاب به دریای سرخ می‌رسیدند و در آنجا سوار بر کشتی تا بندر جدّه می‌رفتند. (سفرنامه ناصر خسرو، ۱۳۸۱ش، ص ۸۶؛ سلیمان صالح، ۱۴۰۸ق، ص ۱۵۴)

در دوران نبردهای صلیبی، اردن که در مسیر حج مغربی قرار داشت در سال ۴۲۹ قمری به اشغال صلیبیان درآمد و شاهزاده‌نشین ماورای اردن با مرکزیت شهر کَرک تأسیس شد. (دائرة المعارف الاسلامیه، ج ۳، ص ۳۱۰) صلاح الدین ایوبی این سرزمین را در سال ۵۸۴ قمری پس از محاصره‌ای طولانی فتح کرد. (عبدالباسط بدر، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۱۸۳ - ۱۸۴) کرک که در مسیر حجاز بوده (حافظ ابرو، ۱۳۷۵ش، ج ۱، ص ۳۸۷؛ عمری، ۱۴۲۳ق، ج ۳، ص ۵۴۸) و تا قدس فاصله‌ای اندک دارد، چندین بار میان مسلمانان و مسیحیان دست به دست شده

است. هنگامی که این شهر در دست مسیحیان بود، حاجیان و مسلمانان مسافر با حمله و غارت روبه‌رو می‌شدند. (حمیری، ۱۹۸۴م، ص ۲۰۳)

در دوران ایوبیان (حک: ۵۶۷ - ۶۴۸ق) نیز مسیحیان حج‌گزاران را غارت می‌کردند و گذشتن از مسیر اردن برای حاجیان بسیار خطرناک بود. در سال ۵۷۷ قمری فرخ‌شاه، برادر صلاح‌الدین، با صلیبیان پیمان صلح بست تا از تجاوز آنها جلوگیری کند. اما صلیبیان پس از این پیمان نیز به کاروان حاجیان حمله کرده، اموال مسلمانان را غارت نمودند و بسیاری را کشتند. آنان توانستند با اموال حاجیان استحکامات نظامی خود را تقویت کنند. صلاح‌الدین از این کشتار خشمگین شد و سپاه مسلمانان به آنها حمله کرد و توانست آنان را نابود کند. (عبدالباسط بدر، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۱۸۴)

صلاح‌الدین همچنین اموالی فراوان برای قبایل صحرائشین، که در مسیر حج بودند، فرستاد تا دیگر به حاجیان حمله نکنند.^۱ در سال ۵۷۸ قمری، که رینالد (ارانط)، سردار صلیبی، به سوی مدینه حمله کرد و تا تیماء در وادی القری پیش آمد، یکی از برادرزادگان صلاح‌الدین ایوبی آن را دفع کرد. (عبدالباسط بدر، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۱۸۴)

نبود امنیت در مسیر حج مانند منازل واقع در اردن و مناطق مجاور آن در دوره حاکمیت ممالیک نیز ادامه داشت. این ناامنی به سبب تجاوز مسیحیان و اشغال شهرهای اردن بود که پس از جای گرفتن آنها در این سرزمین، هراس از حمله صلیبیان بزرگ‌ترین دغدغه حاجیان به شمار می‌آمد. (عبدالمجید بکر، ۱۴۰۱ق، ص ۱۶۹) بیبرس در سال ۶۶۰ قمری برای تقویت نیروی نظامی مصر در صدد تأسیس سپاهی جدید از ممالیک برآمد و در همین جهت، دوپست سوار مغولی قبیچاقی را به استخدام سپاه درآورد. (مقریزی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۵۰۰ - ۵۰۱) بیبرس از سال ۶۶۳ قمری به پاکسازی شامات از حضور دولت‌های صلیبی

۱. التاريخ الشامل، ج ۲، ص ۱۸۳.

پرداخت (ابن خلدون، ۱۹۸۵م، ج ۵، ص ۴۴۳؛ ابن کثیر، ۱۴۰۸ق، ج ۱۳، ص ۲۴۴؛ شذرات الذهب، ج ۷، ص ۵۴۱) و در سال ۶۶۴ قمری قلعه صفد را، که در شمال غربی دریاچه طبریه قرار داشت و از مهم‌ترین قلاع صلیبیان به شمار می‌رفت، تصرف نمود. (ذهبی، ۱۴۱۰ق، ج ۴۹، ص ۲۴؛ النجوم الزاهره، ج ۷، ص ۱۳۸، ج ۷، ص ۵۴۶) مناطق صلیبی نشین شقیف و یافا نیز در سال ۶۶۶ قمری به تصرف او درآمد. سپس به درخواست حاکم صلیبی عکا با او صلح کرد (ابن خلدون، ۱۹۸۵م، ج ۵، ص ۴۴۵؛ ذهبی، ۱۴۱۰ق، ج ۴۹، ص ۳۵ - ۳۶) که تا سال ۶۶۹ قمری، که دژ حصن الکراد و عکا، واپسین پایگاه‌های صلیبیان در شامات به تصرف او درآمد، دوام داشت. (ابن تغری بردی، ۱۳۹۱ق، ج ۷، ص ۱۶۳ - ۱۶۴؛ ابن کثیر، ۱۴۰۸ق، ج ۱۳، ص ۲۵۹) در سال ۶۶۸ قمری او توانست حمله مشترک فرانسه، انگلستان، اسکاتلند، برشلونه و آراگون به تونس را، که از جزایر سیسیل صورت گرفت، دفع کند. (ابن خلدون، ۱۹۸۵ق، ج ۵، ص ۴۴۸) طبیعی است که شرایط جنگی چالشی بزرگ برای زائران بیت الله الحرام بوده است.

۳. چالش با دولت عربستان

با روی کار آمدن آل سعود و تسلط آن دولت بر حرمین شریفین، در برخی سال‌ها مانند سال ۱۳۴۴ قمری مردم همه سرزمین‌های تابع عثمانی از رفتن به حج منع شدند و تنها مردم مناطق زیر سلطه سعودی‌ها در سرزمین‌های جزیره العرب و شماری اندک از حاجیان مغربی حج به جا آوردند. (سباعی، ۱۴۲۰ق، ص ۵۹۳؛ فرقه‌ای برای تفرقه، ص ۱۰۸) در دهه‌های اخیر نیز برخی کشورهای مغرب اسلامی با عربستان روابط حسنه‌ای نداشتند؛ چنان که روابط تیره دولت لیبی در زمان معمر قذافی با عربستان از چالش‌هایی بوده که بر حجگزاری مردم لیبی تأثیرگذاری داشت؛ زیرا در پی اتهام عربستان به لیبی مبنی بر دست داشتن و اجیر کردن چهار تبعه لیبی در ترور ولیعهد عربستان (عبدالله بن عبدالعزيز) در سال ۲۰۰۴ میلادی مناسبات این دو کشور عربی به تیرگی گرایید.

پس از سرنگونی قذافی نیز عربستان سعودی، به دلیل تعارضات مذهبی با جریانات صوفی‌گری و اخوانی‌لیبی که ضد تفکر و هابیت تکفیری هستند، تمایلی به ارتباط با حکومت قانونی لیبی نشان نداد. بسیاری از تندروی‌های سلفی‌های افراطی و وهابی‌ها در لیبی، مانند تخریب ضریح‌ها و قبور مقدس، با حمایت عربستان سعودی صورت گرفت و مردم لیبی بارها شعار «مرگ بر وهابیون سلفی» و «مرگ بر عربستان» سر دادند.

همچنین دولت عربستان گاهی اقدام به بازداشت برخی از زائران لیبیایی می‌کند؛ چنان که در چند سال قبل پس از انجام عمره، سه شهروند لیبیایی با نام‌های محمد حسین الخضراوی، محمود بن رجب و حسین زعیط - که از رهبران انجمن هفدهم فوریه و از اهالی شهر «الزاویه» لیبی بودند - در فرودگاه جده بازداشت شدند. دولت وفاق ملی در لیبی به ریاست فایز سراج از وزارت خارجه عربستان خواست سرنوشت سه لیبیایی بازداشتی در زندان‌های عربستان را، که در ۲۵ ژوئیه گذشته پس از ادای مراسم عمره بازداشت شدند، مشخص کند. کنسولگری لیبی در جده در پیامی خطاب به مقامات سعودی گفت که پس از تماس‌های مستقیم با سرویس عربستان از وزارت کشور عربستان جواب گرفت که سه بازداشتی پس از هماهنگی بین دفتر پادشاهی عربستان و دولت شرق لیبی وابسته به حفتر تحویل داده شدند.

چنین اقدامی با واکنش فعالان لیبیایی مواجه شد و آنان با برگزاری تظاهراتی مقابل سفارت عربستان در لندن با در دست گرفتن پلاکاردهایی از مسئولان عربستانی خواستند تا سرنوشت این سه شهروند لیبیایی مشخص کند. یحیی بن حلیم، رئیس سازمان حج اوقاف و امور اسلامی دولت وفاق ملی نیز با بیان اینکه سهمیه حجاج لیبیایی در سال گذشته ۷۸۰۰ نفر است، اظهار داشته که دولت عربستان سهمیه‌ای به تعداد ۱۷۵۰ نفر را به طرفداران ژنرال حفتر اختصاص داده است؛ درحالی‌که او به یک دولت رسمی و مورد تأیید سازمان ملل حمله، و تمام قوانین بین‌المللی را نقض کرده است و اصلاً قابل تصور

نیست که دولتی با چنین نیروی متجاوززی برای سرنگونی یک دولت قانونی همکاری کند.

چالش در روابط عربستان سعودی با برخی از کشورهای مغرب اسلامی در سال‌های اخیر، موجب محرومیت برخی از آنان از سفر حج شده است؛ چنان که به نوشته روزنامه فلسطینی المنار، آل سعود مسلمانان لیبی، یمن، سوریه و قطر را از برگزاری حج و عمره محروم کرده و سیاسی‌کاری در حج را ابزار برای فشار به حاکمان عربی و اسلامی قرار داده است. چنین رفتارهای آل سعود موجب شده تا مفتی اعظم در لیبی، صادق الغاریانی، از مسلمانان جهان بخواهد که مراسم حج را تحریم کنند. شماری از مفتی‌های دیگر نیز چنین فتوایی را تأیید کرده‌اند. به گفته آنان، عربستان سعودی عواید حج فرض و عمره را برای کشتار مسلمانان استفاده می‌کند. در فتوای مفتی اعظم لیبی آمده است: «پولی که حاجیان به سعودی می‌پردازند، حکومت این کشور آن را برای انجام جرایم علیه دیگر مسلمانان به مصرف می‌رساند». در این فتوا آمده است کسانی که قبلاً حج تمتع یا عمره را انجام داده‌اند و می‌خواهند دوباره به حج بروند، ثواب نمی‌کنند؛ بلکه گناهکار می‌شوند.

نتیجه‌گیری

حجگزاری کشورهای واقع در مغرب اسلامی شامل، لیبی، تونس، الجزایر، مراکش و موریتانی در ادوار مختلف اسلامی، چه در مسیر حج و چه در حرمین شریفین و همچنین در خود مغرب، با چالش‌هایی مواجه بوده است. عمده‌ترین چالش طبیعی، گرمی هوا، کمبود آب و امکانات بهداشتی، بیماری‌های مسری در مسیر و موسم حج بود که تا قرن اخیر حجاج مغرب اسلامی را با مشکل مواجه می‌ساخته است. ناامنی مسیر حج و دستبرد راهزنان به کاروان‌های حج به عنوان چالشی اجتماعی نیز تقریباً از چالش‌های همیشگی این سرزمین تا دوره اخیر بوده است. چنین چالشی دغدغه همیشگی برای دولت‌های صاحب نفوذ در حرمین شریفین بود.

درگیری‌های داخلی و جابه‌جایی خاندان‌ها و حکومت‌ها و عدم یکپارچگی و تمرکز در مغرب اسلامی و نیز حضور استعمارگران در بیشتر مغرب اسلامی در سده‌های اخیر، از عمده‌ترین چالش‌های سیاسی خارجی بوده است که حجگزاری را با مشکل مواجه می‌ساخته است. تنش در روابط برخی کشورهای مغرب اسلامی با دولت عربستان نیز موجب سختگیری این دولت با حجاج برخی کشورها، مانند لیبی، بوده است.

منابع

١. آل بسام، عبدالله بن عبدالرحمان (بي تا)، خزانه التواريخ النجدية، بي نا.
٢. ابن بطوطه (١٤١٧ق)، رحلة ابن بطوطه (تحفة النظر في غرائب الامصار و عجائب الاسفار)، تحقيق عبدالهادي تازي، رباط، اكاديميه المملكة المغربية.
٣. ابن تغري بردي، يوسف (١٣٩١ق)، النجوم الزاهرة في ملوك مصر و القاهرة، قاهره، وزاره الثقافه و الارشاد القومي، الهيئه المصريه العامه.
٤. ابن جبير، محمد بن احمد (١٩٨٦م)، رحلة ابن جبير، بيروت، دار و مكتبه الهلال.
٥. ابن جوزي، سبط (١٣٦٩ق)، مرآة الزمان في تاريخ الاعيان، به كوشش الهموندي، بغداد، دار الوطنيه.
٦. ابن جوزي، عبدالرحمن بن علي (١٤١٢ق)، المنتظم في تاريخ الملوك و الامم، به كوشش محمد عبدالقادر عطا و مصطفى عبدالقادر عطا و نعيم زرزور، بيروت، دار الكتب العلميه.
٧. ابن خلدون، عبدالرحمن (١٩٨٥م)، العبر، قاهره، دارالكتاب العربي اللبناني.
٨. ابن صباغ، محمد بن احمد (١٤٢٤ق)، تحصيل المرام في اخبار البيت الحرام و المشاعر العظام و مكة و الحرم و ولايتها الفخام، به كوشش عبدالملك بن عبدالله بن دهيش، مكه، مكتبه الاسدي.
٩. ابن فهد، عبدالعزيز بن نجم (٢٠٠٥م)، بلوغ القرى في ذيل اتحاف الوري باخبار ام القرى، به كوشش صلاح الدين بن خليل ابراهيم و عبدالرحمن حسين ابوالخيور و عليان عبدالعالي محلبدي، قاهره، دار القاهره.
١٠. ابن فهد، عمر بن محمد (١٤٠٨ق)، إتحاف الوري باخبار ام القرى، به كوشش عبد الكريم، مكه، جامعه ام القرى.
١١. ابوحاتم تميمي (١٤١٧)، السيرة النبويه و اخبار الخلفاء، بيروت، الكتب الثقافيه.
١٢. ازرقى، محمد بن عبدالله (١٤١٥ق)، اخبار مكة و ما جاء فيها من الآثار،

- للتراث الاسلامی.
۲۱. جعفری، یعقوب (۱۳۷۱)، **خوار جدر تاریخ**، چاپ اول، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۲. جعفریان، رسول (۱۳۸۹ش)، **پنجاه سفرنامه حج قاجاری**، تهران، نشر علم.
۲۳. _____ (۱۳۸۹ش)، **راه حج**، تهران، زیتون سبز.
۲۴. جولدن صاری یلد (۱۴۲۲ق)، **الحجر الصحی فی الحجاز**، ترجمه ترکی عبدالرزاق، برکات، ریاض، مرکز الملك فيصل للبحوث الدراسات الاسلامیه.
۲۵. حافظ ابرو: عبدالله خوافی (۱۳۷۵ش)، **جغرافیای حافظ ابرو**، تصحیح سید صادق سجادی، تهران، میراث مکتوب.
۲۶. حجازی، ایمن، **الشرق و الغرب فی مدونات الرحاله العرب و المسلمین: ابوظبی، دار السویدی**، ۲۰۰۵م.
۲۷. الحج و العمره، سال ۵۸، ش ۶، ص ۷۰، «رحلات الحج الجزائریة مصدرأ للتاریخ الثقافی فی الحجاز»؛ سال ۵۸، ش ۱۱، ص ۱۶ - ۱۷، «علماء
- تحقیق رشدی الصالح ملحس، مکه، مکتبه الثقافه.
۱۳. اسعدی، مرتضی (۱۳۶۶ش)، **جهان اسلام**، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
۱۴. امیرشاهی، ذوالفقار (۱۳۷۷)، **لیسی**، انتشارات وزارت امور خارجه، تهران.
۱۵. بارونی، ابوالریبع سلیمان (۱۳۵۷ق/۱۹۳۸م)، **مختصر تاریخ الاباضیه**، تونس.
۱۶. باسورث، ادموند (۱۳۸۱ش)، **سلسله های اسلامی**، ترجمه فریدون بدره ای، مرکز بازشناسی اسلام و و ایران، تهران.
۱۷. باقری، محمدرضا (۱۳۹۳)، **عملیات اجرایی حج در کشور دمکراتیک خلق الجزائر**، تهران، مشعر.
۱۸. ابن کثیر (۱۴۰۸ق)، **البدایة و النهایة فی التاریخ: به کوشش علی شیری**، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۹. بیات، عزیزالله (۱۳۸۴)، **تاریخ تطبیقی ایران با کشورهای جهان**، تهران، امیر کبیر.
۲۰. تازی، عبدالهادی (۱۴۲۶ق)، **رحله الرحلات مکه فی مائة رحله مغربیه و رحله**، به کوشش عباس صالح طاشکندی، ریاض، موسسه الفرقان

- الجزائر يستمدون جذور الاصلاح من المدينة المنوره».
۲۸. حلیمی، غلام سخی (۱۳۸۲)، **رسانه و جنبش‌های اسلامی معاصر**، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
۲۹. حمیری، محمد بن عبدالله (۱۹۸۴م)، **الروض المعطار فی خبر الاقطار**، تحقیق احسان عباس، بیروت، مکتبه لبنان.
۳۰. خرابشه، سلیمان (۱۹۹۹م)، **التنافس السلجوقی الفاطمی علی بلاد الحجاز و امره الحج**، اردن، دانشگاه یرموک.
۳۱. خلیلی، جعفر (۱۳۷۶ش)، **مکه و مدینه از دیدگاه جهانگردان اروپایی**، ترجمه محمدرضا فرهنگ، قم، مشعر.
۳۲. **دائرہ المعارف بزرگ اسلامی** (۱۳۶۸ش)، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران، **دائرہ المعارف بزرگ اسلامی**.
۳۳. داود بن علینقی (م. ۱۲۷۷ق)، **سفرنامه میرزاداوود وزیر معارف**: به کوشش سید علی قاضی عسکر، تهران، مشعر، ۱۳۷۹ش.
۳۴. دولتشین، عبدالعزیز (۱۴۱۴ق)، **الحج قبل مئة سنة الرحلة السرية للضابط**
- الروسی، بیروت، دار التقریب بین المذاهب الاسلامیه.
۳۵. ذهبی، (۱۴۱۰ق)، **تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر**، به کوشش عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، دار الکتب العربی.
۳۶. رادولف پیترز (۱۳۶۵)، **اسلام و استعمار**، مترجم: محمد فرقانی، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد.
۳۷. رافعی، عبدالکریم (۱۳۷۶)، **التدوین فی اخبار قزوین**، به کوشش عزیز الله عطاردی، تهران، عطارد.
۳۸. رفعت پاشا، ابراهیم (۱۳۲۷ق)، **مرآة الحرمين** (الرحلات الحجازیه و الحج و مشاعره الدینیة محلاه بمئات الصور الشمسیة)، بیروت، دار المعرفه.
۳۹. روزنامه الشرق الاوسط چاپ لندن.
۴۰. زغلول، سعد (۱۹۶۴)، **تاریخ المغرب العربی من الفتح حتی دول الاغالبية و الرستمین و الادارسه**، قاهره، بی‌نا.
۴۱. زکی یمانی، احمد (۱۴۲۸ق)، **موسوعة مكة المكرمة و المدينة المنورة**، به کوشش عباس صالح طاشکندی، ریاض، موسسه الفرقان.
۴۲. زنون طه، عبدالواحد (۲۰۰۴م)، **الرحلات**

۵۲. طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷ق)،
تاریخ طبری، بیروت، دار التراث،
چاپ دوم.
۵۳. عبدالرزاق اسماعیل (۱۴۰۶ق)،
الخوارج فی بلاد المغرب حتی
متصف القرن الرابع الهجرى، بی جا،
دارالتقافه و دار البيضاء.
۵۴. عبدالباسط بدر (۱۴۱۴ق)، التاريخ
الشامل للمدينة المنورة، مدينه.
۵۵. عبدالمجید بکر (۱۴۰۱ق)، دروب
الحجيج (الملاحج الجغرافيه لدروب
الحجيج)، جدّه، تهامه.
۵۶. عبدرى، محمد (۱۴۲۶ق)، رحلة
العبدرى، به كوشش على ابراهيم
كردى، دمشق، دار سعد الدين.
۵۷. عمرى، احمد بن يحيى (۱۴۲۳ق)،
مسالك الابصار فى ممالك
الامصار، ابوظبى، المجمع الثقافى.
۵۸. فاسى، محمد (۱۴۲۱ق)، شفاء الغرام
باخبار البلد الحرام، به كوشش
گروهى از علما، بيروت، دار الكتب
العلميه.
۵۹. _____ (۱۴۲۲ق)، الزهور
المقتطفة من تاريخ مكة المشرفة،
به كوشش محمد حسن اسماعيلى،
بيروت، دار الكتب العلميه.
- المتبادل، بيروت، المدار الاسلامى.
۴۳. سباعى، احمد (۱۴۲۰ق)، تاريخ
مكة، مكتبه احياء التراث.
۴۴. سليمان صالح كمال (۱۴۰۸ق)، اماره
الحج في العصر عباسى مكة، جامعه
ام القرى.
۴۵. سمعانى، عبدالكريم بن محمد
(۱۴۰۸ق)، الانساب، به كوشش عبد
الله عمر البارودى، بيروت، دار الجنان.
۴۶. سيف الدوله (۱۳۶۴ش)، سفرنامه
سيف الدوله: به كوشش على اكبر
خداپرست، تهران، نشر نى.
۴۷. سيوطى، عبدالرحمن (۱۴۱۸ق)،
حسن المحاضرة فى اخبار مصر و
القاهرة، به كوشش خليل المنصور،
بيروت، دار الكتب العلميه.
۴۸. شوفانى، الياس (۱۹۹۶م)، الموجز
فى تاريخ فلسطين السياسى،
مؤسسة الدراسات الفلسطينية.
۴۹. صلابى، على محمد (۱۹۹۲م)، الثمار
الزكية للحركة السنوسية فى ليبيا،
المملكة البيبية.
۵۰. _____، تاريخ حركة السنوسية
فى افريقيا.
۵۱. طالقانى، سيد محمود (۱۳۸۱ش)، به
سوى خدا مى رويم، تهران، مشعر.

۶۰. قالین، جورج اوغست (۲۰۰۸)، **رحلات قالین الى جزيرة العرب**، بيروت، دارالوراق.
۶۱. قشطا، محمد سعيد (۲۰۰۳ق)، **ليبيون في الجزيرة العربية**، رياض، الدار العربية للموسوعات.
۶۲. قلقشندی، احمد بن علی (۱۹۸۱م)، **صبح الاعشى في صناعة الانشاء**، به كوشش سهيل صادق زكار، دمشق، وزارة الثقافة.
۶۳. كردعلی، محمد (۱۳۹۰ق)، **خطط الشام**، بيروت، دارالعلم للماين.
۶۴. كردی، محمدطاهر (۱۴۲۰ق) **التاريخ القويم لمكة و بيت الله الكريم**، تصحيح عبدالملك بن عبدالله بن دهيش، بيروت، دار خضر.
۶۵. كورنون، ماریا (۱۳۶۵ش)، **تاريخ معاصر أفريقيا از جنگ دوم جهانی تا امروز**، ترجمه ابراهيم صدقیانی، تهران، امیر کبیر.
۶۶. گلی زواره، غلامرضا (۱۳۸۵ش)، **جغرافیای جهان اسلام**، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۶۷. مقدسی، محمد بن احمد (۱۴۰۸ق)، **احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم**، به كوشش محمد مخزوم، بيروت، دار احیاء التراث العربی.
۶۸. مقریزی، احمد بن علی (۱۴۱۶ق)، **اتعاظ الحنفاء باخبار الائمة الفاطميين الخلفاء**، به كوشش جمال الدين الشیال، قاهره، وزاره الاوقاف المجلس الاعلى للشئون الاسلامیه.
۶۹. _____ (۱۴۱۸ق)، **السلوك لمعرفة دول الملوك**، به كوشش محمد عبدالقادر عطا، بيروت، دار الكتب العلمیه.
۷۰. _____ (۱۴۱۸ق)، **المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط و الآثار (الخطط المقریزيه)**، به كوشش خليل المنصور، بيروت، دار الكتب العلمیه.
۷۱. مونتقی، سید احمد (۱۳۷۹)، **جنبش های اسلامی معاصر**، چاپ دوم، تهران، سمت.
۷۲. مونس، حسین (۱۳۸۴)، **تاریخ و تمدن مغرب**، ترجمه حمیدرضا شیخی، تهران.
۷۳. میقات حج، ش ۵۹، ص ۱۶۱، «سیاست های دولت هند در مورد حج».
۷۴. ناصر خسرو (۱۳۸۱ش)، **سفرنامه ناصر خسرو**، تصحیح محمد دبیر سیاقی، تهران، زوار.

۷۵. ناصری طاهری، عبدالله (۱۳۸۹)،
مقدمه‌ای بر تاریخ مغرب اسلامی،
قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۷۶. نواف عبدالعزیز المجد (۲۰۰۸م)،
رحالة الغرب الاسلامی، اردن،
الاهلیه للنشر و التوزیع.
۷۷. هدایتی، میرسیداحمد (۱۳۸۴ش)،
داستان پاریافتگان، به کوشش سید
علی قاضی عسکر، تهران، مشعر.
۷۸. هروخرونیسه، سنوک (۱۴۱۹ق)،
صفحات من تاریخ مکه المکرمة
فی نهاية القرن الثالث عشر الهجری،
ترجمه محمد بن محمود سربانی و
معراج بن نواب، مکه، دار الملک
عبدالعزیز.
۷۹. ورعی، سیدجواد و جواد منصور
(۱۳۹۰ش)، حج ۳۰: گزارشی از
حج‌گزاری سال ۱۴۳۰ هـ.ق. برابر
با سال ۱۳۸۸ هـ. ش، مشعر.
۸۰. ویکی پدیا، دانشنامه آزاد.
۸۱. یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله
(۱۹۹۵م)، معجم البلدان، بیروت،
دارصادر.
۸۲. یعقوبی، احمد بن ابی‌یعقوب،
(بی‌تا)، تاریخ یعقوبی، قم، اهل
بیت علیهم‌السلام.
۸۳. خبرگزاری رسمی حوزه، ۱۳۹۶.
۸۴. خبرگزاری شبستان ۲۹ شهریور ۹۹.
۸۵. روزنامه مشرق، تاریخ انتشار: ۱۳
مهر ۱۳۹۴.
86. ne thousand roads to mecca,
p.321.
87. The Muslim world vol 89,
p.70.